

حضور زنان در بیعت



بیعت اول (در عصر رسالت)

درك اهميت حضور زنان در بیعت‌های دوران پیامبر و ائمه علیهم‌السلام، مستلزم در نظر گرفتن بیعت به عنوان یکی از حساس‌ترین امور سیاسی اسلام است. در واقع، در این بیعت‌ها، مسلمانان بیان می‌دارند که در هر شرایطی و زمینه‌ای از اوامر رهبری اطاعت خواهند کرد و در تبعیت از او، هیچ گونه سستی به خود راه نخواند داد. در تمامی بیعت‌هایی که افراد با پیامبر و پس از آن با ائمه علیهم‌السلام داشتند، می‌دانستند که اگر با رهبر، بیعت نمایند دیگر حق تک‌روی و یا مخالفت با رهبری را ندارند. در تأیید این مطلب، حضرت علی علیه‌السلام می‌فرماید: «انما الخيار للئاس قبل ان یبایعوا» (1) «مردم قبل از بیعت نمودن، مختارند ولی پس از بیعت و اعلام وفاداری نسبت به رهبر، حق تخلف از عهد خویش را ندارند.

در همین باره، حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید: سه گروهند که (مورد غضب الهی واقع شده) خداوند با آنان سخن نمی‌گوید؛ یکی از این سه گروه افرادی هستند که با رهبر خویش فقط به جهت منافع دنیوی بیعت می‌نمایند؛ اگر به واسطه بیعت به مطامع دنیوی خویش رسیدند، بر بیعت خویش پایدار می‌مانند و گرنه، دست از حمایت او برمی‌دارند و از بیعت، تخلف می‌نمایند. (2)

این عهدها و بیعت‌ها آن‌چنان مهم بودند که خداوند در قرآن، اجر وفاداران بر بیعت را اجر بزرگی توصیف کرده است: «ان الذین یبایعونک إنما یبایعونک الله یدالله فوق ایدیهم فمن نکث فانما ینکث علی نفسه و من اوفی بما عاهد علیه الله فسیؤتیة اجرا عظیما» (3)

آنان که با تو بیعت می‌کنند، جز آن نیست که با خدا بیعت می‌نمایند. دست خدا بالای دست‌هایشان است. پس هر که بیعت شکنی نماید، به زیان خود شکسته است و هر که به آن وفا کند، پس به زودی خداوند به او اجر عظیم خواهد داد.

بیعت اول (در عصر رسالت)

اولین بیعت در زمان رسالت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله، عقبه اولی یا بیعة النساء است. این بیعت در زمانی واقع شد که مسلمانان به شدت از جانب کافران تحت فشار بودند. این فشارها به اوج خود رسید تا جایی که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله که عظمت صبر و استقامتش کوه را به تمسخر می‌گرفت، با خدای خود این گونه می‌نالید: «اللهم الیک اشتکؤ ضعف قوتی و قلة حیلتی و هوانی علی الناس یا ارحم الراحمین انت رب المستضعفین و انت ربی الی من تکلنی؟»

خدایا، ضعف نیرویم و ناتوانی در تدبیرم و ضعفم را در میان مردمان، به درگاه تو عرضه می‌دارم. بار خدایا، تو مهربان‌ترین مهربانانی، تو پروردگار ضعیفانی و تو رب من هستی. ای رب من، مرا در این شرایط دشوار و سخت به چه کسی واگذار می‌کنی؟

در همین زمان بود که چند تن از یثرب نزد پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله آمدند و پس از آشنایی با اسلام، در بیعتی با پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله شرکت نمودند؛ که این بیعت، بیعت النساء نامیده شد. (4) در این بیعت، زنی به نام عفره دختر عبید بن ثعلبه حضور داشت که برخی از مورخان حضور او را، در زمانه‌ای که زن از اولین حقوق فردی و اجتماعی خود محروم بود، بسیار شگفت‌آور و مهم شمرده‌اند.

بیعت دوم (بیعت جنگ)

بعد از این بیعت، این گروه به یثرب بازگشتند و تبلیغات وسیعی را آغاز کردند. سال بعد، 73 تن از مسلمانان (5)، از یثرب به مکه آمدند و آمادگی خود را برای اطاعت از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله به ایشان اعلام نموده، با آن حضرت بیعت جدیدی بستند که به عقبه ثانی مشهور است. بنابر متون تاریخی، در بیعت دوم نیز چند زن به نام‌های نسیمه دختر حارث انصاری و خواهرش، نسیمه دختر کعب از بنی خزرج، ام منیع و اسماء دختر عمرو بن عدی حضور داشتند. این چند زن هم همراه سایر بیعت‌کنندگان، در شب سیزدهم ذی‌الحجه، مخفیانه در منی نزد پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله آمدند و با آن حضرت بیعت کردند همان گونه که از فرزندان و خانواده خویش دفاع می‌نمایند، از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله دفاع کنند. این بیعت در شرایط بسیار حساسی واقع شد؛ چون مشرکان پس از فهمیدن ماجرا به سرعت به سوی مسلمانان یثرب آمدند تا آنان را دستگیر کنند و شکنجه نمایند، ولی مسلمانان که از نیت آنان مطلع شده بودند، به سرعت از مکه گریختند. بیعت با پیامبر، يك بار دیگر در جریان صلح حدیبیه تکرار شد. در زمانی که هنوز مکه پایگاه شرك بود و مشرکان گاه و بیگاه حملات سختی به مسلمانان وارد می‌نمودند، پیامبر همراه گروه زیادی از مسلمانان به قصد انجام سفر حج، عازم مکه گردیدند، اما در بین راه متوجه شدند که قریش در شرایطی که مسلمانان هیچ سلاح جنگی به همراه نیاورده بودند، قصد حمله به کاروان آنان را دارند. در این وضعیت حساس و اضطراری، مسلمانان زیر درختی جمع شدند و با پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله بیعت نمودند تا از او اطاعت کنند و از اوامرش ذره‌ای تخلف ننمایند. به جهت اهمیت این بیعت، آیاتی نازل شده است که در آن خداوند رضایت خویش را از بیعت‌کنندگان بیان می‌دارد: «لقد رضی الله عن المؤمنین اذ یبایعونک تحت الشجرة» (6) خداوند از مؤمنین آن‌گاه که در زیر درخت با تو بیعت نمودند، راضی گردید. (7) مسلمانان در بیعت رضوان، عهد نمودند در برابر کارهای پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله مطیع محض باشند و در هیچ امری با او مخالفت ننمایند. (8) در این بیعت خاص، تعدادی از بانوان شرکت داشتند که از جمله آنها، نام این سه زن در منابع تاریخی ذکر شده است: ربیع بنت معوذ، ام هشام انصاریه و نسیمه دختر حارث. (9)

بیعت سوم (بیعت زنان و مردان مکه)

بیعت دیگری که در زمان پیامبر صلی الله علیه وآله انجام شد، در جریان فتح مکه اتفاق افتاد. با سقوط پایگاه شرک در مکه، مردم گروه گروه نزد پیامبر صلی الله علیه وآله می آمدند و با آن حضرت بیعت می نمودند. در این بیعت تفاوتی بین زنان و مردان وجود نداشت و همان گونه که مردان با پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله بیعت می نمودند، زنان نیز بیعت می کردند. حضور زنان در این بیعت، بسیار گسترده بود و آیهای نیز در همین ارتباط نازل شد. در این آیه آمده می شود که زنان با ایمان با پیامبر صلی الله علیه وآله بیعت نمودند مبنی بر این که بر خدا شرک نورزند، فضایل اخلاقی را رعایت نمایند، دزدی نکنند، زنا نمایند، فرزندان خود را نکشند، نوزادان محصول زنا را به همسران خود نسبت ندهند، اوامر پیامبر صلی الله علیه وآله را در مورد نیکی بپذیرند و عصیان ننمایند و مطیع او باشند. (10) در ارتباط با مضمون بیعت پیامبر صلی الله علیه وآله با زنان، امام جواد علیه السلام می فرماید: مضمون بیعت، اقرار و ایمان به خدا و تصدیق رسول خدا صلی الله علیه وآله بود.

رسول اکرم صلی الله علیه وآله فرمود طرفی را پر از آب کنند و ایشان دست مبارک خود را در آب ظرف فرو برد و بیرون آورد و پس از آن، زنان به عنوان اقرار و ایمان به خدا و تصدیق رسول خدا صلی الله علیه وآله دست خویش را در همان آب فرو بردند و بدین گونه بیعت کردند. (11) لازم به ذکر است که شیوه بیعت پیامبر صلی الله علیه وآله با زنان به وضوح نمایانگر این امر است که اگر دین مقدس اسلام، بر حضور زنان در صحنه اجتماع و حمایت او از دین و رهبر دینی خود اصرار دارد. از سوی دیگر، بر رعایت حدود و مرزهای لازم بین مردان و زنان در جامعه نیز تأکید می کند.

بیعت چهارم (غدیر خم)

پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه وآله، شاهد حضور زنان در جریان بیعت برای خلافت حضرت علی علیه السلام هستیم. آن حضرت هجوم مردم برای بیعت با ایشان خود را چنین توصیف می فرماید: "بَلِّغْ مِنَ سُرورِ النَّاسِ بِيَعْتِهِمْ إِيَّايَ أَنْ يُبْتَهَجَ بِهَا الصَّغِيرُ وَ دَرَجَ إِلَيْهَا الْكَبِيرُ وَ تَحَامَلْ نَحْوَهَا الْعَلِيلُ وَ حَسَرَتْ إِلَيْهَا الْكِعَابُ" (12) شادی مردم بر اثر بیعتشان با من بجایی رسید که بچه ها شاد گشتند و پیران با قدم هایی لرزان و بیماران با سختی و مشقت برای بیعت آمدند و دختران جوان نیز در بیعت شرکت نمودند.

بنابر روایات، در زمان ظهور حضرت مهدی - عجل الله تعالی فرجه - نیز زنان حضور فعال در بیعت با آن حضرت دارند. امام باقر علیه السلام فرمود: "يَجِيءُ وَاللَّهِ ثَلَاثُ مِائَةِ بَضْعَةَ عَشْرَ رَجُلًا فِيهِمْ خَمْسُونَ امْرَأَةً... ثُمَّ يَخْرُجُ مِنْ بَيْنِ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ (13)"

"قسم به خدا که سیصد و اندی که در بین آنان پنجاه زن وجود دارد، هنگام ظهور مهدی (عج) به او می پیوندند... و از مکه قیام خویش را آغاز می نمایند. آن سیصد و چند نفر بین رکن و مقام در مسجد الحرام با مهدی (عج) بیعت می کنند."

پاورقی ها:

1- بلاغات النساء.

2- الارشاد، ص 130.

3- ثلاثه لا يكلمهم الله ... رجل بايع اماما لا يبايعه الا لدنيا، ان اعطاه ما يريد و في له و الا كف". بحار الانوار، ج 1، ص 99.

4- سوره فتح، آیه 18.

5- تاريخ الاسلام السياسي، ج 1، ص 99.

گروهی نیز در وجه تسمیه این بیعت به بیعت النساء می گویند: به علت این که رسول خدا صلی الله علیه وآله با زنان مسلمان به عین شرایط مذکور در بیعت عقبه اولی (به خدا شرک نورزند، دزدی نکنند، زنا نکنند، فرزندان خود را نکشند ...) بیعت کردند و دیگر الزام به جهاد مطرح نفرمود، این بیعت را بیعت النساء نامیدند. این، مفاد بیعت پیامبر با زنان در فتح مکه است.

6- در تعداد آنها اختلاف است؛ برخی 62، و برخی 73 و برخی 75 ذکر کرده اند.

7- سوره فتح، آیه 18.

8- "سئل سلمه بن اكواع على اى شئى بايعتم رسول الله يوم الحديبيه؟ قال على الموت". صحيح مسلم، ج 3، ص 1486.

9- تفسير على بن ابراهيم، ج 2، ص 315.

10- اعلام النساء الموءمنات، ص 624.

11- سوره ممتحنه، آیه 12.

12- "كانت مبايعه رسول الله صلى الله عليه وآله النساء ان يده فى اناء فيه ماء ثم يخرجها و النساء بايديهن فى ذلك الانا بالاقرار و الايمان بالله و تصديق برسوله". تحف العقول، ص 3 همچنین

احاديثى در كافي، ج 5، ص 526 و 527 و بحار الانوار، ج 63، ص 117 و 188 در اين زمينه ذكر شده است.

13- نهج البلاغه، فيض الاسلام، خطبه 220.37.